

نمایشنامه نویسی شوروی

ماکسیم گورکی نمایشنامه نویسی را دشوارترین نوع ادبیات می‌شمرد. نمایشنامه نویسی طبق قوانین بی‌چون و چرای خود که بستگی ناکسستنی با قوانین صحنه دارد ، با کلامی موجز و مستقل از تلقینات نویسنده ، اما فراخور مضمون باید عقاید و آرمان های زمان را با همان قدرت عمقی که خاص شعر است بیان کند .

ادبیات نمایشی در آغاز دوران شوروی چگونه بود و تئاترها میبایست چه روشی نسبت به آن پیش می‌گرفتند ؟

مهم ترین چیزی که در آن دوران برای مردم ضرورت داشت . باز شکافتن مفهوم وقایع روز بود . نمایشنامه معاصر همواره عبارتست از کشف و باز نمودن سببای تازه و مهم ترین وقایع و آرمان هائی که روز امروز بوجود می‌آورد . و امروز آن روزگار خارق العاده بود . روزگشایش عصری نوین بود و نویسنده شوروی میبایست آن را از دیدگاه انسانی نوین که چشم به آینده دارد باز شکافت . برای بیان چگونگی مفهوم امروز در آن روزگار میبایست مبارزه مردم برضد آنچه کهنه بود در بیان آید .

در آغاز شماره تئاترهای حرفه ای کم بود . باین همه ، در همان دوران جنگ های داخلی بیش از هزار تئاتر حرفه ای بوجود آمد که در شرایط و احوال جبهه های جنگ کار می‌کردند . اما چون نمایشنامه های شوروی تازه در کار ایجاد شدن بود ، همه تئاترها در نخستین سالهای حکومت ملی نمایش های کلاسیک را به بینندگان تازه عرضه مینمودند .

چیزی که بود ، هم خود تئاتر و هم بینندگانی که در تالارهای نمایش گرد می آمدند تغییر کرده بودند ، و خود نمایشنامه های کلاسیک را نیز میبایست بطریقی دیگر اجرا کرد .

کارگران و دانشجویان و دهقانان ، مردم زحمتکش واقعی ، به تالار های آراسته و پرزرق و برق تئاترها روی می آوردند . نمیبایست تنها به همین اکتفا شود که وسایل تفریح ساده ای برایشان فراهم آید . بینندگان

از طبقه سالم و جوان و پیروزمند بودند و زهنر مفهوم اجتماعی بیشتری را توقع داشتند. این نکته رانه تنها هنرپیشگان پرورش یافته دوران جدید شوروی، بلکه هنرپیشگان قدیمی و شایسته صحنه تئاتر روس نیز درک می کردند.

اما به موازات نمایش آثار کلاسیک در تئاترها، نمایشنامه های معاصر نیز بنحوی سریع و فعال به روی صحنه آمدند، که در آن موضوعی تازه - مردم و وقایع - عرضه میگردید. مبارزه توده مردم با مفاهم کهنه و روابط کهنه در پایه و اساس گروه بندی نمایشنامه های اولیه شوروی قرار داشت. نکته عمده همین بود. میبایست روی نیروی وقایع روی داده تاکید بعمل آید و تصویر قهرمان الهام بخش این مبارزه آفریده شود.

مهم ترین اثر نمایشی آن زمان «میستربا - بوف» اثر مایاکوفسکی بود. نمایشنامه مایاکوفسکی سنت های کلاسیک گورکی و چخوف و آمستروفسکی و سنت های کلاسیک ادبیات پیشرو غربی را به هیچ وجه نقض نمیکرد، و با این همه گامی فراتر در زمینه تکامل و پیشرفت نمایشنامه نویسی و تئاتر شوروی بود. این نمایشنامه اثری بود که بر الگوی یک پلاکات سیاسی نوشته شده بود. چهره های نمایش چنان تپیک بودند که بعدا علی بنک اغراق داشتند، و زندگی و هزل و هجا بطور طبیعی در این نمایش آمیخته شده بود. نوآوری این نمایشنامه در جنبه سیاسی و اجتماعی صریح آن، در قدرت استهزاء آن نسبت به نظرات کهنه و در شور شدید سیاسی و در پیوند یکپارچه و زنده آن با واقعیات بود.

اما بعد چه شد؟

دانشوران پیشرو و نویسندگان شوروی می فهمیدند که تئاتر بعنوان وسیله ایده نولوژیکی پرورش معنوی مردم باید نقش بزرگ آرمانی و آفرینشی و تربیتی خود را ایفا کند، و میدانستند که وظیفه نویسندگان ایجاد آثاری است که پاسخگوی این هدفها باشد. پس، آنها نیز به نمایشنامه نویسی روی آوردند. نویسندگان بزرگ و نامداری مانند مایاکوفسکی، آ. لوناچارسکی، آ. سرفافیموویچ، آ. نهوروف و پس از آنها ک. ترهوف و دیگران به ادبیات نمایشی پرداختند.

وجه مشخص نمایشنامه های نویسندگان جوان شوروی چه بود؟ نمایشنامه های آنان از لحاظ شور خارق العاده در تصویر مبارزه برای زندگی نوین ممتاز بود. اکثر آثار سرفافیموویچ، نهوروف، ورمیشف، آرسکی و دیگر نویسندگانی که صفحه تازه ای از نمایشنامه نویسی را در کشور شوروی آغاز می کردند، درباره مردم ده نشین بود، زیرا در ده بود که درهم شکستن همه نظام زندگی کهن حدت خاص داشت و بروشنی دیده میشد، در ده بود که برخورد مردم زحمتکش با نیرو های دشمن هر چه شدیدتر جریان داشت.

با این همه ، ادبیات واقعی نمایشی ، ادبیات دارای شکل و قالب بزرگ و حواری انعکاس عمیق وقایع زمان ، اندکی بعد در سالهای ۲۶-۱۹۲۲ پدیدار گردید .

در آن زمان بازیس سرگئی ویچ روماشوف ، که سالیان دراز استاد انستیتوی ادبیات بود و بعدها نویسندگان جوان بسیاری را پرورش داد ، وارد میدان ادبیات نمایشی شد . ابتدا نمایشنامه جالبی مربوط به دوران جنگ داخلی به نام « فدکا ، سروان قزاق » نوشت ، که حکایت میکرد از رشد تدریجی آگاهی و ادراک مردم در روستای کهنه و غرق در تاریکی جهل که اینک جنگ داخلی همه چیز را در آن زیر و زبر کرده بود .

پس از آن روماشوف جمعی های هجائی « کلوچه هوانی » و « پایان کار گریواریلسک » را در سالهای ۲۵ - ۱۹۲۴ انتشار داد که آثار هجائی بسیار تندی بودند و مردم دیروزی و نظراتشان را بشدت نکوهش میکردند . نخستین نمایشی که در بینندگان نوین تأثیر عمیق و خارق العاده داشت « ویری نه یاه اثر بانول . سیقولینا بود که در تئاتر بنام «اختانکوف به اجرا درآمد . علت موفقیت این نمایش قبل از هر چیز آن بود که در تئاتر پیشرو آن روزگار به اجرا گذاشته شد ، تئاتری که هنرمند نامدار یوگنی و اختانکوف - شاکرد استانیسلاوسکی آن را تأسیس کرده بود .

در این تئاتر برای نخستین بار قهرمان تازه ای بروی صحنه می آمد که نظام شوروی را تأیید میکرد و از نظر سنجایا و دنیای درونی خود و از نظر عشق به زندگی با مردم اعصار گذشته بکلی متفاوت بود . در حقیقت ، تئاتر و اختانکوف یکی از نخستین تئاتر هائی بود که نمایشنامه ها و موضوع های شوروی را بارائه سنت های ک . استانیسلاوسکی و و . میروویچ - دانچنکو به مردم عرضه کرد .

از آن زمان دیگر نمایشنامه های شوروی و تئاتر در شوروی پیوند ناگسستنی یافتند . قهرمان انقلاب اکتبر ، سپاهی جنگ های داخلی ، مردم نخستین روزهای صلح و آرامش در سایه حکومت جوان شوروی به روی صحنه آمدند .

در سالهای ۲۷ - ۱۹۲۵ به آثار استادان بالغ و ماهری بر میخوریم که هنر نمایشنامه نویسی را به سطح عالیتر آزمانی و مهارت رسانده اند . نمایشنامه های مذکور عبارتند از « لیووف یاراویا » ، « ازک ، تره نف ، قطار زره پوش شماره ۶۹-۱۴ » ، نوشته ف . ایوانف « انهدام » اثر ب . لارونف ، « توفان دریا » از و . بیل - بخلاتسکوفسکی ، « پل آتشین » نوشته ، ب . راماشوف . این آثار تاکنون هم بحق جزو گنجینه زرین نمایشنامه نویسی شوروی و از آثار کلاسیک شوروی بشمار می آیند .

لیووف یاراویا ، بانوی آموزگار ، تمثال جامع روشنفکران روسیه است که جای خود را در صف مبارزه مردم جستجو میکنند ، فاجعه عظیم

زندگی شخصی لیوبوف یار اوایا - که شوهرش طرفدار دشمنان است -
مظهر و نشانه‌گره اصلی در کشمکش‌ها و برخوردهای آن زمان بوده است.
چیزی که هست ، در نمایشنامه تره‌نف این برخورد و تضاد به محیط
روانشناسی و فضای تأثرات بفرنج شخصی و اجتماعی کشیده شده است.
نمایشنامه «لیوبوف یار اوایا» در تئاتر کوچک مسکو به اجرا گذاشته
شد . این نمایشنامه که بارعایت بهترین سنن درام ره‌آلیستی روسی نوشته
شده ، اثری است نوآور و رمانتیک و سرشار از الهام که شکل و قالب
مرسوم آن را به پیروی از شیوه مرسوم تصویر و قایع سوق نداده است.
این نمایش نه تنها خط مشی تازه تئاتر کوچک را معین کرد ، بلکه مسیر تازه
تمام هنر تئاتری شوروی و نمایشنامه نویسی جوان شوروی را نیز مشخص نمود
و از آن پس نمایشنامه نویسی جوان شوروی پیوسته به راه رشد و تکامل
رفت و بیش از پیش روحیات مردم شوروی را منعکس کرد .

در سال ۱۹۶۷ یکی از مهمترین آثار سالهای بیست و یکم قرن «انهدام»
نوشته ب . لاوره‌نوف به روی صحنه آمد . همان عنوان «انهدام» مبین جنبه
برخورد و تضاد این اثر است . اینجا سخن از «انهدام دنیای کهن می‌رود
و درهم شکستن مبانی اندک مردم و زیر و زبر بردن آداب و عادات و اصول
جامعه‌شناسی و سیاست و افتراق بین مردم از یک سو و هر کس که خواسته
باشد در راهشان مانعی ایجاد کند ، از سوی دیگر .

قهرمانان اصلی نمایشنامه عبارتند از نژادی **گودون** که در راس نهضت
در رزومناو «زاریا» قرار دارد ، ناخدا پروسه‌تف که پندارهای واهی طبقاتی
را زیر پا گذاشته به یگانه حقیقت روی زمین یعنی حق ملت روی آورده است ،
و بالاخره لئون شتوبه ، افسر رزومناو ، بدترین دشمن مردم . و نه تنها در
زندگی این اشخاص ، بلکه همچنین در وجدان و اندک ایشان است که
شکست و از هم پاشیدگی و انهدام صورت می‌گیرد . به همین سبب نیز
نمایشنامه «انهدام» انعکاس روانشناسی فوق‌العاده‌ای در بینندگان
داشته است .

سالهای بیست و یکم قرن در زمینه تئاتر شوروی با نمایشنامه تازه
زاماشوف بنام «پل آتشین» پایان می‌یابد . وقایع این نمایشنامه مربوط به
زمان بعد است . نخستین سالهای استقرار حکومت شوروی سپری شده
و اینک زمانی است که کارخانه‌های بزرگ ساخته میشوند و روشنفکران جای
خود را دیگر نه تنها در صف نبرد بلکه در نظام کارگری مشخص می‌دارند .
سئالهای سی در زندگی جامعه شوروی از لحاظ وقایع بسیار مهمی
که طی آن روی نمود قابل توجه خاص است . دوران کارهای عظیم توده
و خدمتکش ، دورانی بود که سراسر زندگی در شهر و ده بر پایه‌های کاملاً
تازه‌ای دگرگونی می‌یافت و کارهای بسیار مهمی در جریان بود که چهره
روستای کلخوزی و شهر صنعتی راعوش می‌کرد . در دهات نهضت توده‌ای

وسیعی برای اشتراکی کردن کشاورزی در گرفته بود و در شهرها نیز برنامه صنعتی کردن کشور عملی میگردید .
در آن دوره نویسندگان بزرگی مانند پاکودین ، و . ویشنفسکی ،
آ . کارنیشچوک ، آ . آفیناگنوف و دیگران با اطمینان وارد رشته نمایشنامه نویسی میشوند .

درخشانترین واقعه‌ای که مبین شور همه گیر ملی نسبت به نمایشنامه نویسی جوان شوروی میباشد روی آوردن مجدد ماکسیم گورکی به فعالیت نمایشی و خلق آثار تازه در این رشته است که واقعه‌ای بسیار اساسی برای ادبیات سالیهای سی بشمار میرود . ماکسیم گورکی که از ایتالیا به اتحاد شوروی برگشته بود با نوشتن نمایشنامه‌های تازه، «یکور بولیچف و دیگران» و «داستینکایف و دیگران» ، یکی از سازمان دهندگان نهضت ادبی شوروی گردید . نمایشنامه «یکور بولیچف و دیگران» مربوط است به روزهای قبل از انقلاب اکتبر . ایمان پر شور به پیروزی مردم ، اعتقاد راسخ به این که هر آنچه در روسیه بهتر و خردمندتر است پیروز خواهد شد ، همه این خصوصیات موجب گردید که این درام همواره کنونی و تازه و همواره قابل اجرا باشد . گورکی یکور بولیچف را بیماری مشرف به مرگ مجسم کرده است . بیماری او علاج ناپذیر است . او باید بمیرد . و این کنایه‌ای است بر آن که جهان کهنه نیز بازمیمیرد ، اما جستجوهای بولیچف ، نگرانی‌ها و اندیشه‌های او زنده میماند .

هنگامی که ماکسیم گورکی در ترمین نهائی نمایش مشاهده کرد که آن مرد تنومند مشرف به مرگ چگونه به رقص و پاپاگوبی درآمد است ، چهره خود را با دست‌های پوشانده ، چه حتی مترسید به صحنه نگاه کند . خود او در حیرت افتاده بود که با بوجود آردن تمثال بولیچف چه امکانات سرشماری در اختیار هنرپیشه و کارگردان گذاشته است . تصادفی هم نبود که درست همین صحنه نزد بینندگان موقیقت خارق العاده کسب کرد .

زندگی نوین با تنوع همه جانبه اش ، با حرکت بس نیرومندش ، چنان دست به کار دگرگون ساختن هر چیز کهنه شده بود که نویسندگان ناکزیر بیایست در جستجوی بر خوردها و تضادهای تازه ، قالب‌های تازه و نظرات تازه درباره زندگی بر آیند .

تغییرات قطعی در زمینه نمایشنامه نویسی پیش از همه در نمایشنامه های « سرعت ، و دوست من » ، اثر ن . پاکودین در سال های ۱۹۳۳ - ۱۹۲۹ ، ظاهر گردید .

در نمایشنامه « سرعت » سخن از نخستین بنگاه صنعتی شوروی - یعنی کارخانه تراکتور سازی - میروید ، آن هم نه به صورت شرح داستان یک قهرمان ، بلکه توصیف احساسات پر شور و اندیشه‌های گروهی کارگران فصلی که برای کار به محل ساختمان آمده اند . در چنین ساختمان‌هایی بود

که دمقنان بصورت کارگران فصلی وارد طبقه کارگران میشدند . این يك جریان تغییر ماهیت افراد ودگرگونی روحی مالکان فردی بود که مغلوب روحیات وعقاید گروهی کارگری میگشتند .

درسالهای سی قرن بیستم ، فعالیت و . می .یرخولد ، کارگردان مشهور ، و شخصیت وی مقام بزرگی را اشغال میکرد است . می .یرخولد از مایاکوفسکی وآثار نمایشی او پشتیبانی میکرد وبادرخشان ترین نمایندگان ادبیات روبه قوام واستحکام نمایشنامه نویسی شوروی ارتباط داشت . او بود که نمایشنامه های «حمام» و «ساس» ، اثر مایاکوفسکی را برای نخستین بار به روی صحنه آورد . صحنه آرایی این نمایشنامه ها فوق العاده درخشان وجالب بود و مفهوم آرمانی و سیاسی هجای مایاکوفسکی را به بهترین رجوی باز مینمود .

همچنین باید در باره يك پدیده درخشان دیگر آن زمان ، در باره کارگردانی الکساندر تائیروف ، به اختصار سخن گفت .

در آن زمان در میدان پوشکین ، بجای تئاتر فعلی پوشکین ، تئاتر کامرنی وجود داشت که در سال ۱۹۱۴ تاسیس گردیده بود و سرپرستی آن را رجل معروف عالم تئاتر ، الکساندر تائیروف برعهده داشت . برنامه تئاتر کامرنی چندان بازوح نبود و فعالیت آن از روح رزمی زمان برکنار بود وجنبش ها ودگرگونی های عظیم اجتماعی وروانی عصر را منعکس نمینمود . وجنین تئاتری ، بازوح متغنی وزیبا پسندانه اش ، یکباره به ادبیات نمایشی معاصر زوی آورد و در وجود نویسنده درخشان معاصر ، و . ویشنفسکی ، نمایشنامه نویسی درخور خویش پیدا کرد ، که اثر معروفش را به نام «فاجعه خوش بینانه» برای اجرا به تئاتر کامرنی واگذار کرد . اجرای این نمایش در سال ۱۹۳۳ باموفقیت بسیار بزرگ اصولی روبرو شد .

علت پیروزی تئاتر کامرنی چه بود ؟ چه چیز جالبی ویشنفسکی در کارگردانی تائیروف مشاهده کرده بود ؟

برای نویسنده رمانتیک مانند ویشنفسکی ، شور و هیجان رمانتیکي خلافت تائیروف رنگی از آشنائی داشت و تجسس های او در زمینه تراژدی های بزرگ تاریخی انسانی برایش دلپسند بود . « فاجعه خوش بینانه » درست بدین علت به تئاتر کامرنی داده شد که شدیدترین برخوردهای تراژیک را درك میکرد ومیتوانست باز نماید .

درسالهای سی ، نمایشنامه «ترس» آ . آفیناگنوف ، که پیوستن نهائی روشنفکران را به توده مردم نشان میداد بیش از همه قابل توجه بود . این مسئله هنوز در آن زمان مسئله بسیار حادی بود .

روشنفکران ووقایع ، موضوعی بود که هنوز هم توجه دقیق نویسندگان را جلب میکرد . البته همه روشنفکران خدمتگزار نظام کهنه نبودند ، همه به کشورهای خارج نگریخته بودند . نمایندگان روشنفکرانی که براستی

میهن خود را دوست میداشتند ، میبایست روش خود را نسبت به حکومت شوروی تعیین میکردند ، و این به معنای آن بود که جای خود را در صف کارگران بچینند و برون‌دکار کنند .

نکته اصلی در نمایشنامه «ترس» زندگی دشوار و شکوهمند بارادین بود ، دانشمند بزرگی که تضادهای تراژیک روحش را در شکنجه میدارد : از طرفی او خواهان درهم آمیختن علم و سیاست نیست و میکوشد علم را از جامعه‌شناسی و از نظارت جمهوری جوان شوروی برکنار بدارد ، و از طرف دیگر بتدریج پی میبرد که آنچه به اصطلاح آزادی علمی نامیده میشود به هیچ وجه امکان پذیر نیست .

نمایشنامه «ترس» اثر آفیناگنوف نمایش ساده روانشناسی معمولی درباره زندگی مردم نبود . این يك نمایش جدلی ، يك نمایش رزمی ، يك نمایش اجتماعی و سیاسی زنده بود که گفتارهای با عظمت و داغ آن مستقیماً به حاضران تالار نمایش خطاب میشد و طرح مسئله اجتماعی و سیاسی را جمله درام روانشناسی میپوشاند .

در همان سال های سی ، نویسنده نامی آ . کارنی چوک نیز وارد رشته نمایشنامه نویسی شد . نمایشنامه عالی او بنام «نابودی ناگروه» در سال ۱۹۳۳ انتشار یافت و بیدرنک توجه همگان را به خود جلب کرد و در مسابقه بهترین نمایشنامه سراسر اتحاد شوروی بدریافت جایزه نایل گردید .

«نابودی ناگروه» نیز تراژدی خوش بینانه‌ای است ، نوع تازه‌ای از تراژدی است که در آن مرگ ، پیروزی است ، زیرا با علم و آگاهی پذیرفته شده ، به خاطر مردم بوده است . موضوع نمایشنامه واقعه دراماتیک زمان جنگهای داخلی است ، یعنی فرمان لنین دیر بر غرق ناوگان دریای سیاه بمنظور آن که به تصرف دشمنان جمهوری جوان شوروی نیفتد . رشد آگاهی و فهم سیاسی مردم ، مبارزه با جنبه‌های منفی ناسیونالیسم ، احساس وظیفه بعنوان یگانه راه زندگی ، جنبه‌های مهمی بود که کار نیشچوک در اثر خود باز نموده تراژدی خوش بینانه خود را بوجود آورده بود - بعدها از روی این نمایشنامه فیلمی به همین نام ساخته شد .

نمایشنامه بعدی کار نیشچوک بنام «در دشت‌های اوکراین» همچنین مورد استقبال فراوان واقع گردید . این یکی از نخستین کمدی های می شوروی بود که دیگر دشمن طبقاتی در آن دیده نمیشد ، و حال آن که پیش از آن وجود دشمنان طبقاتی از ضروریات اثر هجاثی شمرده میشد . مهم ترین و جالب ترین چیز در تاریخ قشاطر سالهای سی این قرن ، ایجاد آثاری است که بوسیله پاکودین و کار نیشچوک و تره‌نف بمناسبت بیستمین سالگرد استقرار حکومت شوروی (۱۹۳۷) نوشته شد و در آن برای نخستین بار چهره و ای . لنین ظاهر میگردد .

گارنیتچوک در نمایشنامه «حقیقت» تصاویری از استقرار حکومت شوروی را در اوکراین و لنینگراد مجسم کرده است. چهره دهقان فقیر در سراسر نمایشنامه انعکاس یافته و یکی از صحنه‌های بزرگ نمایشنامه واقع مهم ملاقات يك دهقان فقیر با لنین بوده است.

نمایشنامه‌های مربوط به لنین، دموکرات و لامقام و ساده‌ترین انسان‌روی زمین، دیگر تنها آثار برجسته هنری نبودند، بلکه همچنین پدیده‌ی فعالیت میهن پرستانه هنرمندان شوروی بودند که حقیقت را در باره زندگی بیان میکردند.

سالهای آخر دهه سوم قرن بیستم بر اثر نزدیک شدن طوفان مهیب جنگ در ادبیات و نمایشنامه نویسی شوروی تأثیر کرد. نخستین غرض‌های رعد آسای هجوم فاشیست‌ها اینک از خیابان‌های شهرهای تسخیر گشته اروپا شنیده میشد. محیط اجتماعی پیوسته در اضطرابی فزون‌تر فرومیرفت، خطر جنگ روشن‌تر نمایان میگشت، آثار دلاورانه و میهن پرستانه نویسندگان شوروی، این اثر ناسیونالیست‌های واقعی و کسانی که در صفوف مقدم اردوگاه صلح و دموکراسی قرار داشتند، پیوسته روشن‌تر و ساطع‌تر طنین می‌افکند.

این آثار سرودی تابناک و خوش‌بینانه در ستایش انسان بود و درست در مقابل تئوریهای ضد بشری نژاد پرستی و هذیان‌های فاشیستی درباره شخصیت توانا، که از زیبایی و توانائی نیکی و بشردوستی عاری بود، جبهه میگرفت.

در نمایشنامه «گذشته دور»، اثر آفیناکنوف، نمونه تازه‌ای از انسان‌به‌زندگی فراخوانده میشود و او مردی است فیلسوف، دارای اندیشه‌ای بلند و توانا، که به‌عالیترین مراحل خردمندی و کشف اسرار زندگی واصل شده و در عین حال یک فرد مبارز ساده است. او که بشدت بیمار و مشرف به مرگ است، به هیچ وجه نشاط و روحیه قوی خود را از دست نمیدهد و میداند که هر چه در قدرت داشته برای میهن خود انجام داده است و فنا ناپذیری اردوگاه او است.

همچنین میباید از نمایشنامه «تایا»، اثر آ. آربوزوف که در نیمه دوم دهه سالهای سی نوشته شده است یاد کرد. این نمایشنامه حکایت از سر نوشت زن شوروی دارد که دیگر عشق تنها پناهگاه قلب او نیست. کار سرچشمه نوین سعادت برای زن است که در گذشته از لذت آن بیخبر بوده است. تکرین خصلت تازه تانیا و تبدیل او از یک بازیچه ساده و دوست داشتنی برای شوهر تا شخصیت توانا و باشهامت فردی زحمتکش اساس دراماتیک و جذاب این نمایشنامه است، که به فارسی ترجمه شده و چند سال پیش روی صحنه تئاتر «آناهیتا» به نمایش درآمده است.

در پایان سالهای سی نمایشنامه‌های تازه‌ای بوجود آمدند که با صراحت از نزدیکی وقوع جنگ سخن می‌گفتند و صفات دلاوری و مردانگی

مدافعان آینده میهن را پرورش میدادند. نمایشنامه «جراتکی از شهر ما»، نوشته سیمونوف که سرشار از تمیزبینی شگرف و احساس تشویش از نزدیکی هجوم نازیست هاست در سال ۱۹۳۹ نوشته شده است. در آن سالها نمایشنامه نویسی تاریخی هم فعالانه گسترش و ترقی مییافت. و این نیز قابل درک است. در آستانه جنگ و تهاجم فاشیست‌ها مردم میخواستند، جداگانه گذشته دلیرانه خود نظری بیندازند و از سنت‌های با روح مبارزه عظیم روسیه برای استقلال خود الهام بگیرند.

سال دشوار ۱۹۴۱ فرارسید. جنگ عظیم میهنی آغاز شد. وهانند همیشه در سالهای سختی و مصیبت ملی، هنر شوروی باردیگر در خط مقدم زندگی، در نقطه مقدم مبارزه با غاصبان فاشیست قرار گرفت. همه انواع ادبیات از نثر و نظم و گزارش خبرنگاران و مجموعه‌های سینمایی جنگی به خدمت جنگ درآمد. نمایشنامه نویسی نیز از دیگر انواع ادبی عقب نماند. نمایشنامه‌های «جبهه» اثر کارنیشچوک، «مردم روس»، نوشته سیمونوف و «تهاجم» نگاشته لئونوف در سالهای جنگ بصورت نمایشنامه‌های کلاسیک درآمدند.

این نمایشنامه‌ها بمنزله مهم‌ترین انزاهای جنگی به دشمن ضربت میزدند و شهادت انسان شوروی را پرورش داده عزم او را برای کسب پیروزی تقویت میکردند. نمایشنامه «جبهه» در سال ۱۹۴۲ منتشر گردید و دز امر دگرگون کردن کادرهای فرماندهی و پرورش میهن پرستانه مردم شوروی نقش بسیار مؤثری ایفا کرد. اما «مردم روس» اثر سیمونوف، نمایشنامه‌ای است درباره مردم ساده که جنگ برایشان تحمیل شده است و برای جنگ رهسپار جبهه‌ها گشته‌اند. در این نمایشنامه تصویر فاشیست‌ها، اعم از آنها که مردم را می‌کشتند یا سادیست‌هایی که انراد را با شکنجه از پای در می‌آوردند، نشان داده شده است.

«تهاجم»، اثر لئونوف، گوئی سومین بخش این تریولوژی عالی جنگی است. موضوع مهم دیگری از زندگی مردم در زمان جنگ بزرگ میهنی که در این نمایشنامه نشان داده شده عبارت است از نهضت عظیم مردم و جنگ سرشار از کینه‌شاق بر ضد فاشیسم. لئونوف با استادی فوق‌العاده و با قدرت بزرگ روانشناسی همچنین مردمی را که در واقعیت زندگی شوروی سرفروبرده بانزدیک شدن تهاجم دشمن جان میگرفته‌اند تصویر کرده است. مردم میبایست دلاوری و قهرمانی عظیمی نشان دهند تا برصدمات طاقت‌فرسا و مصیبت‌های سخت و سنگین روحی که نصیبشان گشته است غالب آیند. ولی این مصیبت‌ها در قیاس مصائب کسی که جاز خود را فدای میهن و زادگاه و ملت خود میکرد چه اهمیتی داشت؟

جنگ بزرگ میهنی در ۱۹۴۵ با پیروزی پایان یافت. تجدید بنا و ترمیم اقتصادات میهنی که بدست فاشیست‌ها نابود گشته بود، اکنون موضوع اساسی ادبیات شوروی بود، مردم از محل سکونت خود به نقاط

دیگر منتقل شده بودند ، حی سیمای جغرافیائی کشور عوض گشته بود ، خانواده ها پراکنده و افراد آن از یکدیگر جدا بودند ، خویشاوندان هم دیگر را گم کرده بودند ، کسانی که گمان میرفت کشته شده باشند معلوم میشد که زنده اند ، مردم مسائل بفرنج شخصی و اجتماعی تازه و تازه تری عرض وجود میکرد . زندگی برخوردارها و تضادهای گوناگون و بس جالبی در اختیار نمایشنامه نویسان قرار میداد . باین همه موضوع نمایشنامه ها تنها همان جنبش همگانی و پرشور کار بمنظور تجدید بنا و ترمیم اقتصادیات ویران شده نبود ، بلکه همچنین ترمیم و تسکین قلب ها و جان ها بود . میبایست جانهای آزرده و قلب های افسرده را به روشنی و شادی زندگی ، به زیبایی پیروزی راهبر شد .

یکی از نخستین نمایشنامه های این سالها « آفرینش جهان » اثر پاگودین بود . تصادفی هم نبود که بویژه پاگودین یکی از نخستین نویسندگانی باشد که به چنین امری مبادرت کرد . او همیشه در صنف مقدم زندگی و مسائل بزرگ و دشوار اجتماعی بود .

پس از جنگ ائتلاف کشورهای که بر ضد آلمان هیتلری قیام کرده بودند از هم یاشیده و برخی از کشورهای معظم روشی نه چندان دوستانه نسبت به اتحاد شوروی دز پیش گرفتند . طبیعی است که نویسندگان شوروی میبایست اندیشه های میلیتاریستی تازه طبقات حاکمه برخی کشورها را به مردم باز نمایند . اینجا مقدم بر همه میباید «موضوع روسیه» نوشته ک . سیمونوف را متذکر شد ، که به زبان فارسی هم ترجمه شده است . ن. ویرتا هم نمایشنامه جالب توجه «توطئه محکومان» را به رشته تحریر درآورده که حاکی از نفوذ مغرب محافل امپریالیستی در زندگی حکومت های نو بنیاد و دموکراسی توده ای بود .

زمان کنونی از نظر جریان زنده و فعال آفرینش در زمینه تئاتر و نمایشنامه نویسی و غنی تر شدن شیوه ره آلیسم سوسیالیستی قابل توجه است .

پایان سالهای پنجاه در درجه اول از نظر خاتمه یافتن کار پاگودین در نوشتن تریلوژی معروف او درباره «لنین اهمیت دارد . این سه نمایشنامه عبارتند از «مردی با تفنگ» ، «ساعت برج کرمل» و «سومین» هیجان انگیز است ، (۱۹۵۸) . در نمایشنامه اخیر که از بسیاری جهات جنبه نوآوری دارد ، پاگودین با آزادی خود در زمینه تحلیل روانشناسی باطنی ، با صنادی رسا درباره «لنین» رهبر بزرگ حکایت کرده است .

نمایشنامه «سومین» هیجان انگیز است ، به شرح ماه های آخر زندگی لنین اختصاص یافته است ، هنگامی که او سخت بیمار بوده ، باز با فعالیت خارق العاده که برمغز و براندیشه اش فشاری بی سابقه وارد میکرده در کارهای مملکتی مستغرق بوده است .

نمایشنامه نویس بزرگ دیگر شوروی ، آ . کارنیکوچوک ، نیز در

سالهای پنجاه یا شور فراوان به فعالیت می‌پردازد. نمایشنامه او به نام «باله‌ها يك پدیده بزرگ هنری، هم در صحنه تئاتر و هم در زندگی روحی مردم شوروی، بوده است.

کارنشیچوک که همیشه حادثه‌ترین موضوع های اجتماعی را طرح میکند، این بار هم اولین کسی بود که مهم ترین مسئله روز مبنی بر اعتماد به یکدیگر را پیش کشیده مبرهن کرده است شناختن خوالم روحی انسان بمراتب مهم تر از دهها هزار نوشته بی‌امضاء یا مدارک سطحی و بی تفاوت است. در این نمایشنامه برخی نمونه‌های واقعی که مستوجب استهزاء و نکوهش شدید هستند، مانند بورکرات‌ها، شیادها و چاپلوس‌ها و این الوقت‌ها، باطنری نافذ توصیف شده‌اند.

در همین اوقات آ. آربوزوف. نویسنده نمایشنامه مشهور «تانیاء» بار دیگر به مناسبات انسانی و طرح پیچیده ترین مسائل عشقی پرداخت که حل آن نه بصورت کلی یا انتزاعی، بلکه با توجه به شرایط واقعی زندگی شوروی و در میان مردمی که زندگی خود را بیرون از حرکت کلی اجتماع بسوی آینده در تصور نمی‌آورند، امکان پذیر است.

آربوزوف با نمایشنامه تازه خود به نام «داستان ایرکوتسک» که چندین فصل پیاپی توجه و علاقه مفرط بینندگان و نقادان و محافل ادبی و تئاتری را به خود جلب کرد، از بسیاری جهات اثری نامعمود و برخلاف سنت بوجود آورد که از حیث تازگی جستجوها و تازگی نظرات نویسنده نسبت به زندگی و مردم حیرت‌انگیز بود. آربوزوف در این نمایشنامه قالب تثبیت شده نمایشنامه های معاصر را درهم شکست و با جرات دسته همسرایان را در نمایش وارد کرد و با تفسیر وقایع حدود درام را تا پایگاه استنتاج های بزرگ فلسفی بالا برد و گسترش داد.

در این ده سال اخیر تریچه و استعداد نمایشنامه نویس تازه، و یکتور روزوف، مایه و تحکیم پذیرفته است. نامبرده در نمایشنامه های خود موضوع های تازه و چهره‌های تازه و لایه‌های نوخاسته زندگی را باز مینماید.

در نمایشنامه های روزوف جستجو و نوآوری در قالب، ترکیب خارق العاده ساختمانی، یا بکار گرفتن تازه ترین وسایل و بیان هنری موجب حیرت نمیگردد. روزوف در همان قالب کهن و مرسوم نمایشنامه نویسی میتواند تازه و تقلید ناپذیر باشد و اندیشه و احساس معاصران را متاثر و منقلب سازد. در آثار روزوف آشکار دیده میشود که آنچه هست فوت و فن های کاسه گری و تحريك شكل و قالب نبوده، در درجه اول غنای مضمون و حرکت اندیشه‌ها و آرمان‌هاست. از همان نخستین نمایشنامه روزوف بنام «دوستان آن زن»، جنبه های انسانی اثر و موضوع منقلب کننده آن که زندگی و سرنوشت جوانان شوروی را به نمایش میگذراشت توجه بینندگان را جلب کرد.

نمایشنامه بعدی نویسنده، زیر عنوان «به خیر و خوشی!»، با موفقیت درخشان روبرو گردید. روزوف در این نمایشنامه یک دانش آموز سال آخر دبیرستان راقهرمان اصلی خود قرار داده و از زبان او برای نخستین بار گفته است که سرترنشت دانش آموزان شوروی این نیست که حتماً به انستیتو و دانشگاه بروند، بلکه باید به کارمورد علاقه خود اشتغال ورزند، زیرا مکتب بزرگ و خردمندانه زندگی این است. روشنفکری حقیقی در داشتن دیپلم تحصیلات عالی نیست، بلکه در عشق و علاقه به کار است و این است آنچه جوان را به پایگاه مردمی رساند.

نمایشنامه دیگر روزوف، بنام «در جستجوی شادی» اثر برجسته دیگری در زمینه نمایشنامه نویسی شوروی است. روزوف در این نمایشنامه بار دیگر درباره جوانان سخن میگوید و آنها را برای فداکاری های بزرگ و کارهای بزرگ در زندگی فرا میخواند. کینه و نفرت نسبت به روحیات خرده بورژوازی، نسبت به ریاکاری و بوقلمون صفتی، از جمله وصایای است که پدران ما و نیاکان ما کرده اند و همچنان به قوت خود باقی است. ویکتور روزوف نمایشنامه های دیگر خود، «نبرد نابرابر» و «پیش از شام» را نیز درباره جوانان و راه های آن در کار مستقل و درباره موازین تازه اخلاقی نوشته است. نمایشنامه «در روز عروسی» تازه ترین اثر روزوف باز درباره جوانان شوروی و این که اخلاقیات یک جوان کارگر چگونه باید باشد سخن میگوید.

درسنامه های اخیر دو کمدی به قلم آناتولی سوفرونوف نیز موفقیت خاصی کسب کرده اند. این دو نمایشنامه که از لحاظ موضوع با هم بستگی دارند عبارتند از «زن آشپز» و «شوهر کردن زن آشپز». محیط زندگی قهرمانان این نمایشنامه ها سرشار از خوش بینی و اعتماد به آینده درخشان نوع بشر میباشد. ولی نویسنده نقابش را هم می بیند و سخت تکرهش میکند و با این همه شادی و نشاط و سرشت نیرومند انسانی است که بیروز میشود.

نمایشنامه «همه چیز برای مردم میماند» نوشته س. آلیوشین نیز دوست و آموزگار خوبی برای مردم میباشد، زیرا در نمونه سرنوشت یک انسان امروزی - آکادمیسین درونوف - معضله دیرینه زندگی و جاودانگی را حل میکند. درونوف، با علم به این که روزگارش بسر رسیده و مرکب بر بالین او نشسته است، هر چه در قدرت و امکان دارد صرف زندگی میکند. شعار او و اعتقاد راسخ او این است که همه چیز برای مردم میماند، معنی زندگی جاویدان همین است. جاودانگی همان اعمال انسان است که برای نسل های آینده به میراث میگذارد.

درسنامه های اخیر موفقیت های واقعی نمایشنامه نویسان جمهوری های متحده کشور شوروی کم نبوده است. بدون آنکه خواسته باشیم درباره مانده در پای صفحه ۸۴

تئوری موتاسیون ها سهم مهمی داشته‌اند و خود نیز يك رشته تازه یعنی ژنه تيك فضائی را بنیاد نهاده‌اند. آنان موفقیت‌های بزرگی در زمینه‌های تيك و سلکسیون میکروارگانیسم (جانداران ذره‌بینی)، در ایجاد بسیاری انواع تازه؛ در تکامل مسائل مربوط به هتروزیس و پولی پلوئیدی تجربی و سلکسیون ابزار موتاسیون و غیره بدست آورده‌اند. اکتشافات تئوریک دانشمندان و پژوهندگان شوروی در وهله اول در مجله «کنه تیکا» منتشر می‌شود. حل مسائل ژنه تيك در زمینه سلکسیون در کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بسیاری از نتایج بدست آمده هم در خدمت پزشکی وارد شده است و می‌شود.

بی شك در زمینه پیشرفت عمومی دانش شوروی، موفقیت‌های تازه‌تری بزودی در ژنه تيك و بطور کلی در بیولوژی بدست خواهد آمد.

مانده از صفحه ۳۰

نار بزرگ و قهرمانانه گروه عظیم نمایشنامه نویسندگان ملت‌های مختلف شوروی به تفصیل سخن بگوئیم، همینقدر آثاری را که روی صحنه‌های بزرگ سراسر اتحاد شوروی به نمایش درآمده‌اند نام می‌بریم. از آن جمله است کمدی «بابو له و نیکخا درمه‌ار»، اثر آ. ما کالنگو نمایشنامه نویس بلوروس، که به کارهای مهم حیاتی روستاهای امروزه اختصاص یافته است، همچنین «آته‌ها»، نوشته ن. زارودنی از نویسندگان اوکرائین، که در وصف زحمتکشان کشتزارهای کالخوری است. و نیز نمایشنامه ت. عبدالعزیزوف نویسنده قرقیز، زیر عنوان «قابل پژوهش نیست» که مسائل بزرگ و مهم اخلاقیات نوین شوروی را طرح کرده است، و کمدی ششاد بخش «آتشپاره» نوشته بانوم. باراتاشویلی نویسنده گرجی و همچنین «من خورشید رامی بینم»، اثر ن. دومبادزه وک. لرد کیپانیدزه که در همین اواخر بطرز بسیار جالب در تئاتر هنری بروی صحنه آورده شده است، و نمایشنامه‌های بسیار دیگر.

بررسی زندگی تئاتری و نمایشنامه نویسی شوروی از اول تا به آخر امکان پذیر نیست، زیرا نقطه پایانی ندارد، و تنها تحرك هست، خلاقیت مداوم هست. همین امروز هم نمایشنامه‌های تازه و جالب توجه نمایشنامه نویسندگان شوروی بوسیله تئاترها عرضه می‌شوند، هنرپیشگان و کارگردانان در کارند و اینجا و آنجا يك رشته فعالیت‌های عالی در جریان است.